

The effect of social performance of industrial centers on the feeling of social security of students of Arak University of Technology

Hassan. Mafkhami Shahrestani^{1*}
Hamidreza. Nomoradi²

1. *Corresponding author: PhD in Passive Defense, National Defense University, Tehran, Iran.
2. PhD in Criminal Law and Criminology, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

Email: plc_rsch@police.ir | Received: 03.05.2022 | Acceptance: 10.09.2022

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<http://spsich.iranmehr.ac.ir>
Vol. 1, No 3, Pp: 107-138
Fall 2022

Original research article

How to Cite This Article:

Mafkhami Shahrestani, H., & Nomoradi, H. (2022). The effect of social performance of industrial centers on the feeling of social security of students of Arak University of Technology, *spsich*, 1(3): 107-138.



© 2022 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

Social security is of great importance; So that many sociologists have described the feeling of social security as more important and necessary than the existence of security. Undoubtedly, various factors are involved in creating security and the feeling of security, the lack of which has slowed down the establishment of the feeling of security or prevented its realization. Considering that the city of Arak is one of the industrial cities of the country, studying the relationship between the existence of industrial centers and the sense of security of the citizens can help us in identifying the actual and potential internal threats of the city, which often endanger the social security of this city. This research seeks to investigate the effects of the social functions of the industrial centers of Arak city on the social security of students. The students of industrial fields of Arak University of Technology with about 2294 students have been selected as the statistical population and sampling was done using the Cochran formula, and 329 people were selected as the sample size. The results of the research proved the hypotheses of the research so that there is a significant and strong relationship between immigration, population growth and union protests with the feeling of social security.

Keywords: *Immigration, security, sense of security, population growth, union protests.*

تأثیر عملکرد اجتماعی مراکز صنعتی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان دانشگاه صنعتی شهر اراک

حسن مفخمی شهرستانی*
حمیدرضا نومرادی^۲

۱. دکتری پدافند غیرعامل دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳ | پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲ | ایمیل نویسنده مسئول: plc_rsch@police.ir

فصلنامه علمی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۱۳۹۴-۲۸۲۱
<http://spsich.iranmehr.ac.ir>
دوره ۱ | شماره ۳ | صص ۱۰۷-۱۳۸
پاییز ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(مفخمی شهرستانی و نومرادی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

مفخمی شهرستانی، حسن، و نومرادی، حمیدرضا. (۱۴۰۱). تأثیر عملکرد اجتماعی مراکز صنعتی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان دانشگاه صنعتی شهر اراک. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، (۳): ۱۰۷-۱۳۸.

چکیده

امنیت اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به طوری که بسیاری از جامعه شناسان احساس امنیت اجتماعی را مهم‌تر و ضروری‌تر از وجود امنیت توصیف کرده‌اند. بی‌تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت، عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آن‌ها برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع از تحقق آن شده است. با توجه به اینکه شهر اراک یکی از شهرهای صنعتی کشور است، مطالعه رابطه بین وجود مراکز صنعتی و احساس امنیت شهروندان می‌تواند ما را در شناسایی تهدیدات داخلی بالفعل و بالقوه شهر که اغلب، امنیت اجتماعی این شهر را به خطر می‌اندازد، یاری رساند. این تحقیق به دنبال بررسی اثرات کارکردهای اجتماعی مراکز صنعتی شهر اراک بر امنیت اجتماعی دانشجویان است. دانشجویان رشته‌های صنعتی دانشگاه صنعتی اراک با حدود ۲۲۹۴ دانشجو به عنوان جامعه آماری برگزیده شده است و با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌گیری صورت گرفت که ۳۲۹ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. نتایج تحقیق فرضیات تحقیق را اثبات کرد به طوری که بین مهاجر پذیری، رشد جمعیت و اعتراضات صنفی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار و قوی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، امنیت، احساس امنیت، رشد جمعیت، اعتراضات

صنفی.

مقدمه و بیان مسئله

صنعت در تمام کشورهای جهان به عنوان راه حلی که می تواند بخشهای اقتصادی یک کشور را تحت تاثیر خود قرار دهد و بخش پیشتازی جهت توسعه کشورها باشد مطرح است. صنعتی شدن به عنوان یک تصمیم بزرگ برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها ضروری است. توسعه صنعتی باعث افزایش توان تولیدی و صادراتی و همچنین باعث پیشرفت مناطق مختلف یک کشور می شود که این امر باعث تقویت زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شود. فعالیتهای صنعتی در یک کشور باعث رشد و شناسایی جهت انجام سرمایه گذاری لازم برای بهبود و پیشرفت مناطق در کشور در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی می گردد. همچنین می توان گفت این پیشرفت نیازمند برنامه ریزی لازم جهت پیشبرد اهداف مورد نظر در زمینه‌های مختلف را طلب می کند که این برنامه ریزی چگونگی توسعه مناطق مختلف یک کشور را مشخص می کند که خود این نیازمند هماهنگی و همسویی تمام ارکان یک جامعه جهت رسیدن به هدف مورد نظر و مشارکت تمامی اقشار و گروه‌های جامعه برای آن هدف که همانا توسعه مناطق است، می باشد.

"رابطه صنعت، جامعه و فرهنگ یک سویه نیست. اگر صنعت را به منزله موتور پیش برنده اقتصاد بدانیم، این موتور نیروی خود را از جامعه و فرهنگ می گیرد" (رینکو، ۲۰۱۱، ۱۶۱). "صنعتی شدن از چنان اهمیتی برخوردار است که تحقق پیشرفت های فنی طی سه قرن اخیر، دلیل اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته در جهان امروز به شمار می رود." (عابدی، ۱۳۷۶:۷۰) مشارکت کلی و گروهی از ارگان و نهادهای یک جامعه گرفته تا مردم مناطق باعث رونق و رسیدن به هدف عالی یک جامعه جهت توسعه می گردد. استقرار صنایع و شهرک‌های صنعتی به عنوان یکی از عوامل صنعت نقش تعیین کننده ای در توسعه مناطق مختلف یک کشور ایفا می کند که می تواند جهت توسعه و بالا بردن سطح مناطق کمک‌های شایانی داشته باشد. شهرک صنعتی می تواند به عنوان پلی جهت ارتباط مناطق کمتر توسعه یافته یک کشور و شهرهای بزرگ که توسعه در آن

نمایند است باشد. همچنین شهرک صنعتی می تواند به عنوان عامل تحرکات اجتماعی و اقتصادی و همچنین انتقال منابع مالی جهت دستیابی به توسعه برای مناطق ضعیف تر مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسئله

اینکه مردم جامعه، حریم خود را از هر گونه تعرض و تهدیدی مصون بدانند، خواسته همیشگی انسان بوده و هست. در جامعه کنونی ما هر روز امکان مخدوش شدن حریم امنیت به خصوص امنیت اجتماعی به وسیله عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد. نبود احساس امنیت از یک طرف به شدت نیروهای پویا در یک جامعه را تحلیل برده و از طرف دیگر هزینه های اجتماعی را بالامی برد بدون اینکه منجر به ارتقا سطح رفاه اجتماعی شده باشد. بی تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت، عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع از تحقق آن شده است. اگرچه امنیت اجتماعی مساله مهمی است اما بسیاری از جامعه شناسان احساس امنیت اجتماعی را مهم تر و ضروری تر از وجود امنیت توصیف می کنند و معتقدند عوامل بسیاری در فقدان یا کمبود این احساس در جوامع مختلف دخیل اند. بی تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت، عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع از تحقق آن شده است. با توجه به اینکه شهر اراک یکی از شهرهای صنعتی کشور می باشد مطالعه رابطه بین وجود مراکز صنعتی و احساس امنیت شهروندان می تواند ما را در شناسائی تهدیدات داخلی بالفعل و بالقوه شهر که اغلب، امنیت اجتماعی این شهر را به خطر می اندازد، یاری رساند. متأسفانه طی سالهای اخیر شاهد رخدادهایی در شهر اراک هستیم که نشان از کاهش سرمایه های اجتماعی و به تبع آن امنیت اجتماعی دارد. بروز انواع جرایم و بزه کاری ها از جمله سرقت، نزاع و خشونت و قتل یکی از شاخص های کاهنده امنیت اجتماعی محسوب می شود که شهر اراک به دلیل صنعتی بودن و عوارض ناشی از آن از این جرایم و آسیب ها مصون نیست. البته نباید فراموش کرد که بسیاری از دانشمندان معتقدند که امنیت یک پدیده احساسی و ادراکی است و بیشتر به احساس روانی شهروندان

از عوامل تهدیدکننده جرم بر می‌گردد و ممکن است میزان احساس ناامنی فرد با واقعیت خارجی میزان عوامل تهدید کننده مطابقت نداشته باشد یا برعکس؛ متناسب به میزان و اثر عوامل تهدید کننده، میزان احساس ناامنی فرد نیز در نوسان باشد.

مبانی نظری پژوهش

در پژوهش حاضر ترکیبی از نظریه‌های نوسازی، مارکس، گیدنز، دورکیم و نظریات امنیت اجتماعی می باشد.

آنتونی گیدنز

از نظر گیدنز "صنعتی شدن امروزی در نتیجه انقلاب صنعتی که در قرن هجدهم آغاز گردید نخست در انگلستان پدید آمد. انقلاب صنعتی در واقع نامی است که به اختصار به مجموعه پیچیده ای از تغییرات تکنولوژی اطلاق گردیده است که وسایل کسب معیشت مردم را تحت تاثیر قرار داده اند. این تغییرات شامل اختراع ماشینهای جدید، مهار کردن منابع نیرو برای تولید و استفاده از علم برای بهبود روشهای تولید بوده است. از آنجا که اکتشافات و اختراعات در یک حوزه منجر به اکتشافات و اختراعات بیشتر در حوزه‌های دیگر می گردند آهنگ نوآوری تکنولوژی در جوامع صنعتی در مقایسه با شکل‌های سنتی نظام اجتماعی بی نهایت سریع است" (گیدنز، ۱۶: ۱۳۸۶).

صنعت و صنعتی شدن پدیده ای است که بیش از سه قرن از عمر آن نمی گذرد ولی تاثیرات شگرفی بر انسان و محیط زندگی او گذاشته است. تافلر معتقد است که صنعت، موج جدیدی در زندگی اجتماعی بشر آغاز کرده، موجی که با خود تجربیات جدیدی برای زندگی آدمی به ارمغان آورده است. این موج که از آن به عنوان انقلاب صنعتی نیز یاد می کنند با تولدش در اروپای غربی و رشد و بسط بسیار سریع آن در سراسر جهان بویژه در نیمه دوم قرن بیستم عملاً به عنوان یکی از رویکردهای بسیار کلیدی در حوزه توسعه و رشد کشورها، بخصوص کشورهای در حال توسعه قلمداد شد" (تافلر، ۱۲۶: ۱۳۸۲)

کارل مارکس

به عقیده مارکس "کل روابط تولیدی یعنی آن روابطی که انسان ها ضمن کاربرد مواد خام و فنون موجود برای دستیابی به هدف‌های تولیدشان با یکدیگر برقرار می‌سازند، همان بنیادهای واقعی که روساختار فرهنگی کل جامعه بر روی آن ساخته می‌شود. منظور مارکس از روابط تولیدی تنها تکنولوژی نیست زیرا به نظر او گرچه تکنولوژی نقش مهمی دارد اما روابط اجتماعی که مردم از طریق اشتراک در زندگی اقتصادی با یکدیگر برقرار می‌سازند اهمیت درجه یکی دارند، کارگاه جدید که به کاربرد ماشین وابسته است در واقع یک رابطه تولیدی اجتماعی و یک مقوله اقتصادی است" (کوزر، ۱۳: ۱۳۸۳).

مارکس بر این باور بود که انسانها اساساً مولدند، یعنی برای زنده ماندن نیاز به این دارند که در طبیعت و بر روی طبیعت کار کنند. "آنها طی یک چنین کاری پوشاک، خوراک، سرپناه و ضروریات دیگری را که برای زندگی کردن نیاز دارند، تولید می‌کنند. تولیدگری انسانها به یک شیوه کاملاً طبیعی انجام می‌گیرد و آنها از این طریق کششهای غریزی خلاقانه شان را متجلی می‌کنند. وانگهی این کششهای غریزی به صورتی هماهنگ با انسانهای دیگر بیان می‌شود. آنها برای تولید آنچه که برای زنده ماندن به آن نیاز دارند، ناچارند که با یکدیگر کار کنند" (ریترز، ۳۲: ۱۳۸۴).

امیل دورکیم

دورکیم جامعه شناس فرانسوی در اثر معروف خود به نام "تقسیم کار اجتماعی" که عنوان رساله دکترای او هم بود، در پی بیان چگونگی گذار جوامع از مرحله سنتی به مرحله صنعتی است. "

دورکیم واقعیت اصلی در گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی را از میان رفتن پیوندهای کهنه مبتنی بر همبستگی مکانیکی می‌داند. این پیوندها افراد را در اجتماعات ماقبل صنعتی، که دارای بافت متجانس هستند، به یکدیگر مربوط می‌سازد. در جامعه سنتی پیوندهای بین افراد بر اساس مجاورت مکانی و آشنایی شخصی است و با ظهور دگرگونی‌هایی همراه با پیدایی جامعه نو و جدید و بویژه شهرنشینی از هم می‌گسلد" (برو، ۱۳۸۳: ۱۴)

پارسونز و امنیت اجتماعی

نظام الگومندی از روابط اجتماعی میان کنشگران و الگوهای مناسبات اجتماعی را باید به منزله الگوهای هنجاری (نهادهای اجتماعی) تلقی کرد. نهادهای اجتماعی، چارچوب یک جامعه را تشکیل می‌دهند. این قبیل نهادهای اجتماعی، ساختارهای کلانی است چون ازدواج، مناسبات خویشاوندی، مالکیت، مبادلات کالایی، دیوانسالاری، تخصص، حاکمیت - حکومت انتخابی - توحید، فرق مذهبی و آموزش اختیاری و نهادهای فردی هستند که حیات موقت دارند. بنابراین ساخت اجتماعی به لحاظ مفهومی واقعیتی است که عناصرش را انتظاراتی الگومند و فرهنگی تشکیل می‌دهد که نهاد اجتماعی نامیده می‌شود. نهادهای اجتماعی، الگوهای هنجاری هستند که در یک جامعه معین شیوه‌های مطلوب یا مورد انتظار کنش یا روابط اجتماعی را مشخص می‌کنند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵ : ۴۳-۶۱).

نظام اجتماعی نیز از دید پارسونز، ساخت‌هایی خاص از کنش اجتماعی است که به منزله فرایندهای کنش متقابل در نظر گرفته می‌شود. فرایندهایی که در آنها اگرچه پارسونز به نظم در کنش اجتماعی اشاره دارد، ولی به آن معنا نیست که وی غافل از بی‌نظمی و عدم انسجام در اجزای نظام است. بدین وصف چهار بعد نظم، ابعاد بی‌نظمی نیز هستند (کرایپ، ۱۳۷۸ : ۸۱).

کارکردهای یک نظام زنده با مجموعه فعالیت‌هایی متناظر است که نیازهای نظام را به عنوان نظام برآورده می‌کنند. دوام هر نظام منوط به آن است که بتواند فعالیت‌های لازم را سازمان دهد و به راه اندازد. پارسونز اعتقاد دارد که روابط بین نظام‌ها پیچیده بوده و در عین حال دارای مرزهایی هستند که آنها را از یکدیگر متمایز و مستقل می‌کند. استقلال نظام‌ها، در عین وابستگی آنها به یکدیگر است و همدیگر را به طور متقابل تکمیل می‌کنند (روشه، ۱۳۷۶ ، : ۷۳-۸۴).

تحلیل ساختار امنیت و انحاء ارتباط آن با صنعت

رویکردهای مختلف، تحلیل‌های متفاوتی از ساختار امنیت و ارتباط آن با صنعت دارند. در اینجا به طرح سه دیدگاه که اشکال مختلف ارتباط بین امنیت و اقتصاد صنعتی را بررسی می‌کند، می‌پردازیم:

۱. تقلیل گرا

این دیدگاه که عموماً متأثر از نظریان «لنین» است، اقتصاد و (بخصوص اقتصاد صنعتی) را به عنوان زیرساخت امنیت معرفی می‌کند. ویژگی بارز این رویکرد، تعریف امنیت در فضایی ورای اراده انسان‌هاست که در آن امنیت متأثر از موجبیت و ضرورت ناشی از روابط اقتصادی عصر خود می‌باشد که در دوران ما به علت تسلط بلامنازع صنعت بر تمام نشئات زندگی، امنیت را بصورت تابعی از وضعیت صنعت تصویر می‌کند.

۲. تعامل غیر متوازن

در واکنش به تفسیر تقلیل گرا، پیروان «انگلس» اظهار داشتند اگرچه نمی‌توان نقش حساس و تعیین کننده‌ی صنعت و اقتصاد را در امنیت منکر شد لیکن در هر پدیده‌ای هرچند دو ساحت زیرساخت و روساخت قابل تشخیص‌اند که به صورت دو مقوله‌ی منفک و مستقل از هم وجود دارند، لذا این دو حوزه در همدیگر تأثیر متقابل دارند و هر یک به طور متقابل از دیگری متأثر می‌شود. در واقع رابطه‌ای دیالکتیکی بین این دو برقرار است که ساخت امنیتی و اقتصادی جامعه را در کنش و واکنش دایم با یکدیگر تصویر می‌کند.

۲. تعامل غیر متوازن

در واکنش به تفسیر تقلیل گرا، پیروان «انگلس» اظهار داشتند اگرچه نمی‌توان نقش حساس و تعیین کننده‌ی صنعت و اقتصاد را در امنیت منکر شد لیکن در هر پدیده‌ای هرچند دو ساحت زیرساخت و روساخت قابل تشخیص‌اند که به صورت دو مقوله‌ی منفک و مستقل از هم وجود دارند، لذا این دو حوزه در همدیگر تأثیر متقابل دارند و هر یک به طور متقابل از دیگری متأثر می‌شود. در واقع رابطه‌ای دیالکتیکی بین این دو برقرار است که ساخت امنیتی و اقتصادی جامعه را در کنش و واکنش دایم با یکدیگر تصویر می‌کند.

۳. تعامل همه جانبه

رویکرد سوم مقتبس از مدرن‌ترین تفسیر از آرای «مارکس» است، به این نحو که با کنار گذاشتن تفسیر «زیرساخت» و «روساخت» به تمثیل «اندام وارگی» متمایل

شده و به جای آن که با زیربنا یا روبنا دانستن یکی، دیگری را فرع آن یکی بداند تا امنیت و صنعت صرفاً عناصری منفک از یکدیگر و فقط دارای دامنه‌ی تأثیر محدود بر یکدیگر باشند، آن دو را اجزایی از یک اندام واحد می‌داند، لذا در کوچک‌ترین تغییرات به یکدیگر وابسته‌اند. به این ترتیب با نفی دیدگاه کلاسیک، فضای تعاملات همه جانبه، تحت تأثیر ساخت مسلطی است که هر دو را به یک اندازه و به عنوان عاملی خارج از دستگاه متأثر می‌سازد. بر این اساس در هر عصری در درون جامعه یک عنصر مسلط وجود دارد که در تعریف آن عصر در کنار سایر عناصر نقش تعیین کننده دارد. این عنصر مسلط مثلاً در قرون وسطی، مذهب و در عصر سرمایه‌داری، اقتصاد و در دوران نوین، صنعت می‌باشد. بر پایه‌ی این باور در ساخت اجتماعی دوران صنعتی امنیت دارای مقام شامخی است. روابط اقتصادی مبتنی بر صنعت اولین ساخت اجتماعی می‌باشد که به‌طور کلاسیک از سوی جامعه‌شناسان امنیت مورد توجه قرار گرفته و امروزه با عنوان وابستگی اقتصادی شناخته می‌شود. به‌طوری که ثبات سیاسی هم مفهومی اقتصادی به‌خود گرفته و غفلت از آن نابسامانی‌های اجتماعی متعددی را منجر می‌شود. بر پایه‌ی این مقدمات طرق ارتباط ممکن بین این دو واقعیت عینی (امنیت و صنعت) می‌تواند به این ترتیب باشد که یکی زیرساخت و دیگری روساخت محسوب شود یا این که هر دو به عنوان پدیده‌هایی هم عرض دارای گُنش دیالکتیکی بوده و به‌طور متناوب یا همزمان یکدیگر را متأثر سازند. با پذیرش این تفاسیر متعارف انحاء این تعاملات را این گونه احصاء نموده‌ایم که ابتدا صنعت را در مقام زیر ساخت معرفی کرده و دامنه‌ی تغییرات امنیتی مرتبط با آن را بررسی نماییم و بار دیگر امنیت را در کسوت زیر ساخت نشانده و وضعیت صنعت را در حضور عامل امنیت و با تغییرات آن ملاحظه نماییم.

شایان ذکر است که امنیت و ابعاد آن (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی) باید در یک مجموعه‌ی هماهنگ و منظم پیگیری شود. پرداختن به هر یک از ابعاد امنیت، بدون همگرایی و هماهنگی با ابعاد دیگر، علاوه بر عدم موفقیت در ایجاد امنیت، جامعه را دچار بحران خواهد ساخت، زیرا تقسیم امنیت و سپردن آن به

مدیریت‌های گوناگون و عدم ملاحظه منطقی میان آن‌ها، عملی نیست و این به دلیل آن است که الگوی مدیریت امنیت تجزیه بردار نیست. این ناهمگونی نظیر آن است که گفته شود، فرهنگ جامعه را به یک مدل مدیریتی و اقتصاد را به مدل دیگر و اخلاق را به مدل و مدیریت سوم بسپاریم. در واقع راهی غیر از این نیست که هر سه مدل در یک مدیریت جامع‌تر هماهنگ شوند. ممکن است ادعا شود امنیت سیاسی، هیچ ارتباطی با امنیت فرهنگی و اقتصادی ندارد و هر سه را می‌توان به صورت مجزا اجرا و مدیریت نمود. تصور این فرض غیرمعقول همانند آن است که در جامعه مدیریت اخلاق فردی و بر پایه آن سیستم آموزشی مورد نظر را به یک سیستم مدیریتی واگذار کنیم و آنگاه اخلاق اجتماعی و توسعه‌ی فرهنگی را که می‌تواند برآیندی از نظام دهی‌های اخلاقیات فردی باشد به نهاد مستقلی بسپاریم. این امر ممکن نیست زیرا شئون متداخل فردی و اجتماعی انسان که در همه‌ی مراتب زندگی به‌طور مشابه سیلان و جریان دارد تحلیل‌پذیر نیستند. بنابراین با توجه به این نکته که فرد و جامعه هر کدام مراتب مختلف یک حقیقت واحد هستند، به انضمام این حقیقت که اخلاق و فرهنگ از زیرساخت‌های عمل افراد محسوب می‌شوند که با یکدیگر داد و ستد متقابل و متداوم دارند و این که آن دو و امور انسانی دیگر هر یک به اتفاق دیگری توأمان از شالک‌های سازمان اجتماعی انسان به حساب می‌آیند، نتیجه می‌شود که امنیت اجتماعی، آرمانی نیست که صرفاً با واسپاری به یک نهاد خاص و یک نوع مأموریت اجتماعی مثل کنش‌های انتظامی و پلیسی قابل وصول باشد بلکه تحقق این هدف علاوه بر مشارکت‌های علمی و اجرایی نهادهای مختلف، به توازن پیچیده‌تری میان تمام ساختارهای درونی حکومت احتیاج دارد، بطوری که زمانی می‌توان امنیت اجتماعی را چشم داشت که امنیت سیاسی و اقتصادی بطور متقارن بسط و توسعه داده شده باشند. صنعت نیز به عنوان بسترساز اقتصادی جامعه از این مبحث مستثنی نیست و اوج و سقوط آن در فراز و فرود امنیت بی‌تأثیر نخواهد بود.

چالش‌های امنیتی در اقتصاد صنعتی در واحد ملی

در نگرش سیستمی چالش‌های امنیتی در بخش مهمی در چالش‌های اقتصادی و صنعتی بروز می‌کند که در کارکرد حوزه‌های فوق و یا در ارتباط این حوزه‌ها با یکدیگر اختلال بروز نماید. از این کارکرد نادرست سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، فرآیند تولید و به تبع آن حفظ امنیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حال به طور اجمال به بعضی از اختلالاتی که در حوزه‌های گوناگون نظام اجتماعی کشور به وجود آمده و امنیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد اشاره کرده و به بررسی برخی از مصادیق چالش‌های امنیتی در تولید امنیت می‌پردازیم. حوزه‌ی اقتصادی و صنعتی که متولی تکافوی نیازهای عمده‌ی بشری است، نقش عمده‌ای در تولید امنیت و نوسان سطح آن دارد. عمده‌ترین اشکالات مطرح در بخش صنعت که می‌تواند امنیت را در بخش ملی و فراملی تحت تأیید قرار دهد به این شرح است:

- فقر و محرومیت اقتصادی

- عدم سرمایه‌گذاری لازم و وجود قشر بیکاران در جامعه

- وابستگی شدید به صادرات نفت

- درون‌زا نبودن صنعت و ساختارهای اقتصادی کشور

- وجود تورم بالا و با دامنه‌ی نوسان گسترده

- وجود شکاف طبقاتی نسبتاً زیاد بین اقلیت مرفه و اکثریت محروم

- دولتی بودن حجم عمده‌ی صنعت کشور و به این دلیل عدم توجه لازم به میزان بهره‌وری از سوی مدیران صنعتی.

صنعت به مثابه فرصتی برای استقرار امنیت:

الف) صنعت، توسعه، رفاه و امنیت

ب) صنعت و آموزش بهینه

ج) صنعت و تدارک ابزار و ادوات

د) صنعت و سلامت روانی و اجتماعی

الف) صنعت، توسعه، رفاه و امنیت

امنیت یک حکومت در یک سطح وابسته به افراد آن جامعه است. همین امنیت در سطح بالاتر خود وابسته به اجتماع است، اجتماعی که خود جمعی از آحاد انسانی

است. به همین دلیل، حمایت افراد یک جامعه از حکومتی که تحت لوای آن به سر می‌برند و تأمین امنیت داخلی یک حکومت، وابسته به درجه‌ی رضایت‌مندی افراد آن جامعه از حکومت است.

رضایتی که در گرو ارضاء شبکه پیچیده نیازهای فرد فرد آن اجتماع است تا این که افراد آن اجتماع با فراغت از اشتغال به اشباع حداقل‌های استانداردهای زندگی، از بند ضرورت‌های ابتدایی معیشتی تعالی جسته و آمادگی شرکت در پدیده‌های اجتماعی‌تر و حمایت از امنیت ملی را پیدا کنند.

علمای جامعه‌شناسی از این مبحث با نام «رفاه» یاد می‌کنند و خاطر نشان می‌سازند که هر چند رفاه پدیده‌ی اجتماعی پیچیده‌ای است که واجد فاکتورهای مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است ولی پایه و اساس حداقل رفاه که محرومیت زدایی است مستقیماً وابسته به تولید است که صنعت را به‌طور بی‌واسطه در این مقوله دخیل می‌سازد. بر پایه‌ی تفسیر آبراهام مازلو از سلسله مراتب نیازها، عمده‌ترین و نخستین نیازهای بشری، نیازهای فیزیولوژیکی نظیر خوراک و پوشاک و مسکن هستند که بی‌هیچ تردید وابسته به اصول اقتصادی‌اند و تأمین همین دسته از نیازهای اقتصادی، زمینه‌ی رضایت‌مندی اولیه‌ی انسان و تعالی او را به سوی نیازهای دسته بعدی و رو نهادن به نیازهای مترقی معنوی هموار می‌سازد. از اختلاط همین نکته و این حقیقت که بشر با نیل از جوامع کشاورزی دیروز به جوامع صنعتی امروز رسیده، این نتیجه بدست می‌آید که ابتدایی‌ترین درجه‌ی رضایت‌مندی و رفاه وابسته به صنعت است و این صنعت است که با تأمین حداقل‌های معیشتی و سپس گذار از آن‌ها و رسیدن به سطوح برتر استانداردهای زندگی، می‌تواند رضایت افراد اجتماع را از زندگی فراهم نماید که آن رضایت‌مندی به نوبه‌ی خود عاملی است در حمایت آحاد اجتماع از حکومت متبوعه. بنابراین بی‌هیچ تردید، صنعت با در اختیار داشتن اهرم‌های قدرتمندی در عرصه‌ی تولید و کسب درآمد سرانه، عامل مهمی در عرصه‌ی جلب میزان رضایت معیشتی اجتماعی و به نوسان در آوردن سطح امنیت جامعه به حساب می‌آید. چنان‌که تحقیقات میدانی انجام شده در کشورهای مختلف از فقیرترین کشورها تا کشورهای توسعه یافته این مطلب را اثبات می‌کند

که در کشورهای توسعه یافته‌ی صنعتی، که به یمن برخورداری از صنعت از سطح بالای رفاه برخوردارند، امنیت، بنیان‌های محکم‌تری دارد و این کشورها از ثبات سیاسی و اجتماعی بیشتری برخوردارند و از خطرات اجتماعی، سیاسی ناشی از کمبودهای اقتصادی که در جوامع غیرصنعتی موج می‌زند و امنیت داخلی را به چالش می‌کشد، فراغت دارند.

ب) صنعت و آموزش بهینه

پس از گذار از اقتصاد خانواده محور کشاورزی و سیستم فئودالی گذشته به اقتصادهای متمرکز صنعتی که شکوفایی اقتصادی را در پی داشت، انباشت سرمایه به عنوان فرصتی برای تقویت چهارچوب‌های امنیت پایدار در مقیاس داخلی فراهم آمد. به این ترتیب که با رشد همزمان و پایاپای همه‌ی استانداردهای زندگی، سیستم آموزش ملی دولت‌ها نیز به عنوان ساختاری برای نهادینه کردن ارزش‌ها و آموزش افراد از کودکی تا سنین مختلف به میدان آمد و کارکرد آموزش را که تا قبل از آن به طور سنتی در تملک خانواده‌ها و ریش سفیدها بود به طور متمرکز در اختیار دولت‌ها قرار داد و این کار را با کیفیت بهتر به نحوی انجام داد که کلیه‌ی هنجارها و قوانین مورد نیاز زندگی اجتماعی به انضمام هنجارها و آداب مورد نظر دولت‌ها از همان سنین اولیه در شخصیت کودکان نهادینه شود تا هر یک از آنها، در آینده به عنوان یک واحد «خود کنترل» در جهت اهداف ملی گام بردارد.

ادامه‌ی این سیکل به نوبه‌ی خود به استقرار جامعه‌ای همگون و هدفمند که با بهره‌گیری از آموزش متناسب از درجه‌ی بالایی از وفاق و وحدت، تجهیز شده‌اند، یاری رسانده و همین دسترسی ناشی از آموزش به معایر و موازین مورد لزوم در حیات اجتماعی و نهادینه شدن آنها که در مرتبه‌ی بعدی ناخودآگاه آنها را به منصفه ظهور در می‌آورد، خودبخود موجی از امنیت را در پی خواهد داشت و مانع بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی ناشی از فقر فرهنگی خواهد شد. دریافتن شاهدهی برای این مدعا کشورهایی مانند سوئیس را می‌توان مثال زد که با برخورداری از سطح امنیت بالا از امن‌ترین کشورها جهت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تشکیل بانک‌های بین‌المللی محسوب می‌شود و این‌ها نیست مگر استفاده

از ظرفیت اقتصادی بالایی که صنعت در جهت تهیه‌ی مؤلفه‌های امنیتی از آموزش تا ابزار و تجهیزات و ادوات مورد نیاز فراهم می‌سازد.

ج) صنعت و تدارک ابزار ادوات :

صنعت علاوه بر موارد فوق با ظرفیتی که در بخش تولید کالا و افزایش سرمایه دارد می‌تواند به راحتی مؤلفه‌های استقرار امنیت را از ابزار و ادوات مورد نیاز گرفته تا اختصاص نیروهای انسانی و تأمین منابع مالی مورد نیاز و آموزش آن‌ها، فراهم آورد.

د) صنعت، سلامت روانی و اجتماعی

اهمیت صنعت در حیات اجتماعی و در سلامت روانی و اجتماعی: پیشتر به دسته بندی و سلسله مراتب نیازهای بشری توسط ابراهام مازلو اشاره کردیم و دانستیم که پس از نیازهای زیستی به ترتیب حفظ صیانت و امنیت و بعد از آن احساس تعلق خاطر و عشق، احساس ارزشمندی و منزلت و سپس در آخر پرورش و رشد شخصی از طریق استعدادها قرار دارد. نیازهای فوق دارای ترتیب طولی است به این معنا که غالباً نیازهای دسته‌های بعدی زمانی فعال می‌شوند که نیازهای دسته‌ی اصلی قبلی کم و بیش ارضاء شده باشد. آنها، در کشورهای صنعتی، معمولاً نیازهای رده‌های پایین‌تر به‌خوبی تأمین می‌شود و باعث ظهور نیازهای متعالی‌تر می‌شود. با این مقدمه به‌خوبی دانسته می‌شود که ظرفیت بالای صنعت در پاسخگویی به نیازهای اولیه و اساسی از طریق سود آوری فراوان نه تنها پله‌ی ترقی مادی بلکه نردبان تعالی معنوی و فرهنگی هم محسوب می‌شود. از این‌ها گذشته احساس ارزش و منزلت و پرورش و رشد شخصیت از طریق پرداختن به استعدادها که از عالی‌ترین نیازهای بشری هستند جز در گرو کار، محقق نمی‌شود و بخش صنعت با داشتن تنوع فراوان در زمینه‌ی محیط‌های فعالیت و گرایش‌های عملی بی‌شمار در شاخه‌ها و مشارب گوناگون، عرصه‌ی مناسبی جهت تحقق این هدف به حساب می‌آید.

صنعت به مثابه تهدید امنیت

۱. اعتصاب

۲. مهاجرت

۳. فقر

۴. صنعت و افزایش جمعیت و ترقی معیارهای مادی

۵. صنعت و خانواده

صنعت با دامن زدن به پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف می‌تواند در مقام تهدیدی برای امنیت تجلی کرده و امنیت داخلی را در ابعاد مختلفش به مخاطره بیندازد. آنچه در ادامه می‌خوانید پاره ای از این تهدیدات امنیتی را بازگو می‌کند:

۱) اعتصاب

اعتصاب پدیده اجتماعی - صنعتی پیچیده‌ای است که در نتیجه‌ی اختلاف‌های موجود در هنجارهای گروه متشکله در نظام صنعتی رخ می‌دهد که نتیجه‌ی آن تعارض میان دو طرف کارگر و کارفرماست.

در جریان اعتصاب، عده ای از کارگران بطور ارادی و دسته جمعی به منظور نیل به هدف‌هایی خاص از انجام کار، خود داری می‌کنند و این روند را غالباً بدون آن که به سقوط دائمی قرار داد کار بینجامد، انجام می‌دهند. در بسیاری از کشورها حق اعتصاب برای کارگران به رسمیت شناخته شده است، هر چند در برخی دیگر از کشورها، اعتصاب به علت ایجاد اختلال در وضع امنیتی موجود ممنوع اعلام شده است. منشور حقوق سندیکایی ورشو مصوب سال ۱۹۵۴ حق اعتصاب را یکی از حقوق اساسی کارگران می‌داند.

اعتصاب صور مختلفی دارد که متداول ترین آن‌ها عبارتند از :

الف (تحریم کار : که کارگران تا رسیدن به مطامعشان به‌طور کلی از کار دست می‌کشند.

ب) کم کاری

ج (خود داری از اضافه کار

د) تحصن در محل کار

ه) اعتصاب موقت برای تهدید کارفرما

و) اعتصاب نوبت: که در دوره‌های مختلف و یا به‌طور متناوب میان گروه‌های مختلف

کارگری صورت می‌گیرد.

ز) خرابکاری در محل کار: مثل از کار انداختن دستگاه‌ها بطور موقت یا خراب کردن و انهدام ادوات بطور کامل.

ح) اعتصاب ناگهانی

چ) گروگان گرفتن کارفرمایان و مدیران

ی) اشغال محل کار

ک) تظاهرات و راهپیمایی

با مرور موارد فوق چنین به نظر می‌رسد که هر چند اعتصاب در سطح عادی خود از یک پدیده مورد انتظار تجاوز نمی‌کند ولی آشکارا بعضی از مصادیق آن (از جمله سه مورد اخیر که برشمردیم) جزو مصادیق ضد امنیتی و آشوبی محسوب می‌شوند و هر نهاد امنیتی را به ابراز واکنش در مقابل آن ناگزیر می‌سازند، چرا که مواردی مثل گروگان گرفتن کارفرمایان علناً از مصادیق جرم به حساب می‌آید و در لحظه‌ی تبلور چنین رخدادهایی ما شاهد برخی مشکلات حاصله از زندگی صنعتی هستیم. علاوه بر آن در موارد خاصی مثل تعطیلی شبکه حمل و نقل یا صنایع عمده‌ی تولیدی برق یا صنایع تولیدی عمده‌ای که اقتصاد کشور به آن وابسته است، اعتصاب دامنه دار و همزمان واحدهای صنعتی تولیدی که به کاهش شدید تولید و میزان در آمد دولت می‌انجامد می‌تواند عامل جدی مخاطره‌آمیزی برای امنیت ملی به حساب آید که از یک تنش و تقابل عادی میان کارگر و کارفرما فراتر می‌رود و به تعارضی همه جانبه میان طبقه‌ی حاکمه و قشر عادی جمعیتی بدل می‌شود و مستقیماً بحث امنیت را در سطح ملی نشانه می‌رود که در این سطح اعتصاب‌ها با برخوردهای جدی دولتی مثل ممنوعیت‌های قانونی و سرکوب و حتی مجازات‌های قضایی کنترل و فیصله داده می‌شوند. هر چند که تعارض واقعی را که بر خاسته از مطالبات کارگری هستند در فرصت بعدی می‌بایست به نحو دیگری حل و فصل نمود.

اهمیت بحث اعتصاب‌های صنعتی علاوه بر موارد فوق به این جهت نیز هست که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق سندیکایی مصوب ۱۹۷۸ پراگ که در آن دلایل چهارده

گانه‌ی بروز اعتصابها را لیست کرده، بیش از نه مورد دقیقاً متوجه اعتراض‌های مالی و اقتصادی است.

به هر حال از آن‌جاکه اعتصاب پدیده‌ای صنعتی است که مخصوصاً در صنعت و کارخانه‌های تولیدی رخ می‌دهد و برخی از اشکال آن، امنیت ملی را خدشه دار می‌سازد سزاوار است که نقش آن به عنوان یکی از عوامل تهدید کننده‌ی امنیت بررسی شده و زمینه‌های بروز و ایجاد آن در دراز مدت نه بواسطه‌ی ایجاد جو نظامی و امنیتی سرکوب‌گرانه بلکه با انحلال زمین‌ی تعارض و تقابل و با رسیدن به حداقل دیدگاه‌های مشترک و ایجاد تفاهم متقابل، مرتفع شود.

۲) مهاجرت

مهاجرت یکی از پدیده‌های اجتماعی مرتبط با صنعت می‌باشد. صنعت از دو راه کاملاً متفاوت می‌تواند پدیده‌ی مهاجرت را دامن بزند.

در اولی از راه رونق صنعتی و در دومی بطور کاملاً وارونه، از راه کساد صنعتی و جالب این‌که در هر دو مورد نتایج متفاوتی از این پدیده‌ی واحد انتظار می‌رود. اما زمانی که رونق صنعتی نقطه‌ی جغرافیایی خاصی، سیل جمعیت را به سوی خود می‌کشد، مختصات جغرافیایی محدودی بطور ناگهانی، پذیرای واحد جمعیتی بزرگی می‌شود که عموماً از بافت‌های گوناگون جمعیتی و نژادی و فرهنگی جهت شرکت و تعاون در یک واحد صنعتی یا مجموعه‌ای از واحدهای صنعتی در محلی گرد می‌آیند و این پیوند ناخواسته در جمعیت شهری که با انباشت ملایم طیف‌های نسبتاً همگون جمعیتی در دراز مدت حاصل شده، به مثابه شوکی اجتماعی باعث اختلال در کارکردهای آن جامعه که عموماً شهر بزرگی است می‌شود. شهرهای بزرگ که جمعیت‌های زیادی از فرهنگ‌های مختلف را در خود جای می‌دهند همواره از نتایج سود این اختلاط اجتماعی رنج می‌برند و حتی پس از گذشت سالیان دراز از آغاز پدیده‌ی مهاجرت، ترکیبات مهاجری را به عنوان وسیله‌ی ناجور یا مهمان ناخوانده‌ی جمعیت خود و با دید اکراه می‌نگرند. از باب تقریب به ذهن، این رویکرد شبیه دیدگاهی است که در دید ما نسبت به مهاجران غیر قانونی از ملیت‌های دیگر خصوصاً افغانه وجود دارد که نگرشی را پدید آورده که آن‌ها را

مخل رفاه اجتماعی صاحبان اصلی مملکت می‌دانند. علاوه بر این تحقیقات علمای جامعه‌شناسی نشان داده که در جوامعی که بافت جامعه، از یک ترکیب ناهمگون نضج یافته باشد و امتزاج و اختلاط دسته‌های فرهنگی و اقتصادی متعدد در آن ملموس باشد به علت کم شدن نظارت‌های اجتماعی ناشی از سست شدن روابط اجتماعی درصد ابتلای اعضای آن جامعه به ناهنجارهای رفتاری تهدید کننده امنیت بیشتر است. به عبارت ساده‌تر شهرهای مهاجرپذیر، قابلیت بیشتری را برای جرم خیزی دارند و این دقیقاً همان نکته‌ای است که مسئله‌ی امنیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اما مهاجرت علاوه بر رونق صنعتی و جذب جمعیت به سوی کارخانه‌ها، می‌تواند نتیجه‌ی اتفاق دیگری باشد و آن رکود صنعتی ناشی از کساد بودن تولیدی است. در صورت این پدیده، جمعیت بیکار شده به سوی شهرهای دیگر سرازیر می‌شود، این اتفاق در قالب دیگر در صورت رونق صنعتی هم رخ می‌دهد.

در جریان مهاجرت، جمعیت مهاجر که از امکانات زیادی برخوردار نیستند ناگزیر به عنوان جمعیت حاشیه نشین در اطراف شهرها سکنی می‌گزینند و باعث تشکیل محله‌ای نامناسبی از جنس «حلبی آبادها» می‌شوند.

این جمعیت مهاجر که بافت اجتماعی ناهمگونی دارند می‌توانند به همان دلیل فوق، اقشار مستعد تخلفات اجتماعی را تشکیل دهند. که به وضوح امنیت یک شهر را در خطر قرار می‌دهند. به نحوی که یکی از چالش‌های جدی نیروهای امنیتی و پلیسی نحوه‌ی مقابله با جرایم ریشه‌دار خاص اقوام مهاجر حاشیه نشین در شهرهاست. چگونگی کنترل جمعیت‌های حاشیه نشین پرسشی است که با حذف حقیقت حاشیه نشینی و انتقال آن‌ها یا تشدید اقدامات امنیتی پاسخ گفته نمی‌شود بلکه مسئله‌ی حاشیه نشینی مستلزم بذل توجه بیشتر و بررسی اجتماعی ریشه‌های این روند است.

از سوی دیگر اقوام و توده‌های مهاجر که از صنعت رانده شده و به شهرهای دیگر کوچ می‌کنند غالباً فاقد استطاعت کافی برای پیگیری رویه‌ی اقتصادی سالمی هستند و به‌ناچار به مشاغل کاذبی همچون دست‌فروشی، سیگار فروشی یا مشاغل فصلی و غیر دایم که مصادیق بیکاری پنهان هستند پناه می‌برند که این قضیه

به علت درآمد پایین بسادگی به سوی پذیرش مشاغل خلاف قانون و مجرمانه همچون قاچاق کالا و مواد مخدر و انواع سرقت‌ها و کیف قاپی‌ها، قابل تغییر است و جمعیت مهاجر را به همین دلیل شدیداً مستعد ارتکاب اعمال تبه‌کارانه می‌نماید و مسئله‌ی مهاجرت را که از زیر فصل‌های مسئله‌ی صنعت است به یک عامل مخل امنیت که شایسته‌ی امعان نظر متولیان امور امنیتی است تبدیل می‌سازد.

(۳) فقر

بسیار جالب توجه است که از صنعت که تاکنون به عنوان عاملی برای افزایش سرمایه یاد می‌کردیم اکنون با ملاحظه‌ی عامل موجه‌ی فقر نگریده می‌شود. اما این بخشی از حقیقتی است که در اثر وقوع صنعت و حتی رشد و شکوفایی آن ممکن است در اثر سود مدیریت اجتماعی در یک جامعه واقع شود.

صنعت با رشد نابسامان و ایجاد عدم تناسب و جذب اعتبارات و سرمایه‌ها بطور فوق العاده و شدیداً غیر عادی می‌تواند بستر ساز توسعه‌ی ناهماهنگ یا ناپایدار و ایجاد گسیختگی در ساختارهای اجتماعی و گروهی و توزیع ناهمگون امکانات و تسهیلات شود که تالی بلافاصل این مقدمات اختلاف طبقاتی و عدم توازن اقتصادی است که از آن به فقر اقتصادی تعبیر می‌شود. این اتفاق شبیه چیزی است که در زمان بروز سرطان و رشد ناهماهنگ غده‌های سرطانی در بدن رخ می‌دهد. اگر در جامعه‌ای رفاه به شکل نهادینه برای عامه‌ی مردم تحقق نیابد و امکانات موجود به‌طور مساوی در دسترس همگان قرار نگیرد آن اجتماع از تفاوت طبقاتی و انباشت سرمایه در دست طبقه‌ای محدود و فقری که گریبان‌گیر طبقات دیگر است رنج خواهد برد.

این فقر تجلی بی‌عدالتی اجتماعی است که عامل ایجادکننده هرج و مرج خواهد بود. البته فقر می‌تواند تابعی از کسادی بخش تولید در قیاس با بازار تقاضا باشد که به ورشکستگی بخش تولید منجر می‌شود که در اثر آن بخش صنعت نمی‌تواند از عهده‌ی انجام تعهدات خود برآید و تدریجاً از پرداخت موجب قشر کارگر باز می‌ماند و قشر کارگر که تنها منبع درآمدی شان از راه صنعت استحصال می‌شده هرچه بیشتر و بیشتر در منجلاب فقر فرو می‌روند.

فقر به هر شکلی که باشد و حاصل هر فرآیندی که باشد (چه توزیع ناعادلانه امکانات و سرمایه و یا ورشکستگی صنعتی، پیامدهای مشابهی را در پی خواهد داشت). رسول گرامی اسلام (ص) در مذمت فقر می‌فرماید: پناه می‌برم به خدا از کفر و فقر. شخصی از حضرت پرسید: آیا آن دو برابرنند؟ حضرت فرمودند: بله. حضرت امیرالمومنین (ع) در کلامی به فرزند گرامی‌شان امام حسن مجتبی (ع) می‌فرمایند: «هر کس مبتلا به فقر شود به چهار ویژگی مبتلا خواهد شد: ضعف در یقین نقصان در عقل، رقیق شدن دین، کم رنگ شدن شرم و حیا، پس از فقر به خدا پناه می‌برم. « و در روایت دیگری از معصوم آمده: «کادالفقر أن یكون کفراً» یعنی نزدیک است که فقر به کفر بینجامد. فقر نتایج پنهان و آشکار دیگری هم دارد. کاهش مراقبت‌های بهداشتی از آن جمله است که به افزایش میزان مرگ و میر می‌انجامد و می‌تواند باعث ائتلاف منابع نیروی انسانی آموزش دیده شود.

فقر نیز مانند مهاجرت، به بیکاری در انحاء مختلف آن دامن می‌زند و بیکاری در تمام اشکال آن شامل مشاغل فصلی و غیردایم و مشاغل کاذب (مانند انواع دست فروشی‌ها و...) خود بسترساز سوق پیدا کردن بسوی مشاغل انحرافی و خلافکارانه و غلتیدن در ورطه‌ی اعمال مجرمانه است. به این ترتیب بسادگی می‌توان دید که فقر می‌تواند امنیت را در معرض خطر قرار دهد و از این روست که بحث صنعت در شکل خاص آن که با مشکلات ویژه‌ای همراه می‌شود با بحث امنیت تلاقی پیدا می‌کند. از سوی دیگر باید دانست که فقر پدیده‌ی پیچیده‌ای است که هم ناشی از انحصارطلبی و توزیع ناعادلانه اموال است و هم عامل تقویت کننده این جریان. به عبارت دیگر فقر هم در نتیجه این فرآیند حاصل شده و هم این فرآیند ایجاد فاصله‌ی طبقاتی را تشدید و تقویت می‌کند. این تفاوت طبقاتی که مٌخَلّ توازن اقتصادی است باعث تشکیل دو جبهه مخالف در جامعه می‌شود: یکی اکثریت محروم و دیگری اقلیت سرمایه دار. بررسی ساده‌ای در تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از کشمکش‌ها، بحران‌ها و جنگ‌ها در نتیجه‌ی همین جریان ناسالم توزیع ثروت و منابع صورت گرفته است. در این بین سزاوار است با توجه به نقش حیاتی صنعت در تأمین سرمایه، با بهره‌گیری از اصول اقتصادی سالم، نظام مالی کارآمدی

اتخاذ شود که از انباشت ناهمگون اموال و دارایی‌ها در نزد طبقه‌ای خاص اجتناب شود تا به تبع آن از پیامدهای ناخواسته فقر که بی‌چون و چرا امنیت تام و تمام را خدشه دار می‌سازد خلاصی حاصل شود. باید آگاه بود که این تفاوت طبقاتی اقشار جامعه را نباید تنها با دید یک مشکل اقتصادی نگریست، بلکه بسیاری از صاحب نظران اقتصادی معتقدند این تفاوت طبقاتی بسادگی از حد یک تعارض اقتصادی فراتر رفته و نظام سیاسی - اجتماعی جامعه را متأثر کرده و خیلی زود این تقابل به تقابلی همه جانبه و جنگی تمام عیار بدل می‌شود که تغییر سیستم حکومتی جامعه می‌تواند از تظاهرات آن باشد. مارکس، نظریه پرداز اقتصادی موافق این رأی است و تضاد طبقاتی را عامل تغییر حکومت‌ها می‌داند و برای این تعارض چنان اهمیت امنیتی قایل است که می‌گوید این تعارض می‌تواند حکومت‌های موجود را وادار به تغییر شکل کرده و نظام حکومتی دیگری را با دامن زدن به انقلاب‌های کارگری به دنبال بیاورد.

۴) صنعت و افزایش جمعیت و ترقی معیارهای مادی

رونق صنعتی با بهبود بخشیدن شاخص‌های مالی یک اجتماع، سیل سرمایه را به سوی آن اجتماع روانه می‌سازد. سرمایه خود مزایا و معایب خاص خود را در درازمدت خواهد داشت. بعضی از پدیده‌ها، از روندهای خوشایند و ملایم طبیعت آدمی محسوب می‌شوند. ولی چون سیر متعارفشان از حد می‌گذرد به پدیده‌ای ناخوشایند بدل می‌شوند. سرمایه پس از انباشت و انبوهی، باعث جذب نیروهای بیشتر کار از یک سو و بهبود فاکتورهای بهداشتی و عوامل رفاه از سوی دیگر شده که تلاطم و سازگاری این دو عامل در کنار یکدیگر، افزایش جمعیت را نتیجه می‌دهد. افزایش جمعیت می‌تواند با ملاحظه تعالیم صنعتی و علمی موردنیاز در یک سیکل زمانی خاص، خود به پرورش نیروی صنعتی به منظور تضمین افزایش تولید صنعتی و سرمایه منتهی شود لیکن همیشه همین اتفاقات نمی‌افتد و جمعیت افزوده شده به عنوان نیروی ماهر و متخصص به دنیای کار باز نمی‌گردند بلکه در هیأت و کسوت قشر سربار جامعه، همچون وزنه‌ای در پای ترقی جامعه سنگینی کرده و شتاب رو به جلوی بخش‌های صنعتی را به رکود و خمودگی متمایل می‌سازند. علاوه بر تمام

این‌ها همیشه رشد سریع جمعیت و امکانات مالی و رفاهی، با رشد امور فرهنگی و معنوی همراه و متقارن نیست، چه بسا اجتماع چنان به هم و غم معیارهای ترقی تکنولوژیکی مشغول می‌شود که از توجه به تعالی فرهنگی و پرورش استعدادها معنوی باز می‌ماند و ماحصل این رویداد، جامعه تک بعدی خالی از معنویات خواهد شد. جامعه‌ای که در آن انسان برای هر چه وقت داشته باشد، هرگز برای این فرصتی ندارد که در خلوت و خفا، زمانی را هم برای خودش کنار بگذارد و نگاهی به اندرون خود بیندازد و همان طور که از اتلاف سرمایه و انرژی‌های کار مغموم می‌شود برای فوت سرمایه‌های معنوی هم متأثر شود. انسان امروز عصر صنعتی، انسانی است که به علت شدت اشتغال به بحث کار و تولید کالا، از تولید مواد موردنیاز روحش که به‌راستی جزء حقیقی او همان است، بازمانده است. انسان عصر صنعت که از فقدان معنویات و اخلاقیات رنج می‌کشد به‌سادگی در ورطه جنون آمیز هنجارشکنی‌های مجرمانه می‌غلطد و رشته‌ی امنیت اجتماعی را که در آن بسر می‌برد از هم می‌درد و این ارمغان صنعتی است که در آن رشد جمعیت و امکانات مادی بسیار پیشتر و بیشتر از تعالی امهات معنوی، طرف توجه است.

۵) صنعت و خانواده

خانواده یکی از اولین شکل‌های اجتماعی و کوچک‌ترین گروهی است که انسان از بدو تولد در آن شرکت می‌جوید، از این رو خانواده نقش منحصر به فرد و بی‌همتایی در انتقال ارزش‌های اجتماعی و نهادینه کردن هنجارهای موردنیاز زندگی گروهی دارد. ارزش‌ها و هنجارهایی که به سان کنترل درونی رفتارهای بعدی، فرد را در جریان زندگی جمعی کنترل می‌کند. از این رو خانواده و تربیت خانوادگی که در لسان عوام هم با تعبیری مثل «سر سفره بزرگ شدن» و «خانواده دار بودن» از آن یاد می‌شود، نقش مؤثری در محافظت فرد در قبال ارتکاب اعمال خلاف قانون خواهد داشت و با این راهبرد، خانواده خود به عامل اصلی و اولی تأمین امنیت تبدیل می‌شود. در این‌جا در پی بررسی این نکته هستیم که صنعت با ورود به اجتماع چه تأثیری بر خانواده و کارکردهای آن گذاشته و نهایتاً چگونه بحث امنیت را متأثر ساخته است؟

روش پژوهش

روش پژوهش در مطالعه حاضر، به صورت پیمایشی و از نوع توصیفی - تبیینی و کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دختران و پسران دانشجو در رشته های صنعتی دانشگاه صنعتی اراک می باشد که ۲۲۹۴ نفر برآورد شده است. با استفاده از فرمول کوکران نمونه گیری صورت گرفت که ۳۲۹ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. روش نمونه گیری ما یک روش نمونه گیری دو مرحله ای است که در مرحله اول از میان گرایش های مختلف رشته های صنعتی به روش سهمیه ای ۳۲۹ نفر انتخاب و سپس از روش تصادفی ساده جهت تکمیل پرسشنامه ها بهره گرفته شده است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش ضمن برخورداری از روش کتابخانه ای در تدوین بخش ادبیات نظری و تدوین چارچوب نظری، پرسشنامه است.

در پرسشنامه این پژوهش، ما از بین اعتبارهای موجود به اعتبار محتوی اشاره می کنیم زیرا ویژگی ساختاری ابزاری است که همزمان با تدوین آزمون با آن سنجیده می شود. اعتبار محتوی به قضاوت داوران بستگی دارد. از این رو، اعتبار محتوی یک آزمون، معمولاً توسط افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می شود. در نتیجه، اعتبار پرسشنامه ها از طریق اعتبار محتوی سنجیده شده است، به این صورت که تک تک سؤالات آزمون با مطالعه و بررسی منابع مختلف از جمله پرسشنامه های استاندارد قبلی که توسط محققان قبلی (داخلی - خارجی) مورد استفاده قرار گرفته است و سپس با استفاده از نظرات استاد محترم راهنما اعتبار آنها مورد سنجش قرار گرفته است. برای بررسی آلفای کرونباخ پرسشنامه تحقیق حاضر ابتدا نمونه ای شامل ۳۰ پرسشنامه در بین دانشجویان که کاملاً تصادفی انتخاب شدند پخش گردید. سپس از طریق نرم افزار (SPSS) آلفای کرونباخ هر یک از گویه ها بصورت مستقل مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به ضریب آلفایی کرونباخ از سؤالات پرسشنامه بر اساس آزمون های آماری Spss ضریب ۷۵٪ درصد که پایایی قابل قبولی را می رساند، به دست آمد. بنابراین با اعتماد به پرسش ها، پرسشنامه ها در بین دانشجویان توزیع شد.

روش تجزیه و تحلیل

برای تجزیه و تحلیل - داده‌ها در این تحقیق از نرم -افزار آماری SPSS استفاده شده است. در این پژوهش اطلاعات گردآوری شده در سه سطح توصیفی، تبیینی و تحلیل چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در توصیف داده‌ها از جداول یک بعدی و شاخص‌های پراکندگی و مرکزی به تناسب مقیاس متغیرها استفاده شده است. در سطح دوم نیز براساس فرضیه‌ها و متغیرهای تشکیل دهنده آن‌ها با استفاده از آمار استنباطی به ویژه جداول همبستگی و آزمون‌های آماری اطلاعات تبیین می‌شود. در تحلیل چند متغیری نیز برای تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی دانشجویان از روی متغیرهای تحقیق از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به بررسی فرضیه‌های پژوهش و همبستگی متغیرهای پژوهش پرداخته شد.

جدول ۱. آزمون همبستگی فی و کرامر دو متغیر جنس و احساس امنیت اجتماعی

نوع آزمون	ارزش	سطح معنی داری
آزمون فی	۳۵۲	۰۰۰
آزمون کرامر	۳۵۲	۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۲۹	

با توجه به آزمون فی و کرامر محاسبه شده به میزان ۳۵۲ با ۱ درصد خطا و ۹۹ اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین جنس با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۲. آزمون همبستگی کندال تائو بی وضعیت اقتصادی و احساس امنیت

اجتماعی

نوع آزمون	ارزش	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۱۱۱.۰	۰.۱۵
تعداد پاسخگویان	۳۲۹	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۱۱۱.۰ با بیش از ۵ درصد خطا رابطه بین ۲ متغیر معنی دار نیست. به عبارت دیگر بین وضعیت اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی دار وجود ندارد.

جدول ۳. آزمون همبستگی کندال تائو بی مهاجر پذیری و احساس امنیت اجتماعی

نوع آزمون	ارزش	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۶۹۲.۰	۰.۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۲۹	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۶۹۲.۰ با ۱ درصد خطا و ۹۹ اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین مهاجر پذیری و احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول ۴. آزمون همبستگی کندال تائو بی رشد جمعیت و احساس امنیت اجتماعی

نوع آزمون	ارزش	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۵۴۷.۰	۰.۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۲۹	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۵۴۷.۰ با ۱ درصد خطا و ۹۹ اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین رشد جمعیت و احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی دار وجود ندارد.

جدول ۵. آزمون همبستگی کندال تائو بی اعتراضات صنفی و احساس امنیت اجتماعی

نوع آزمون	ارزش	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۵۱۸.۰	۰.۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۲۹	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۵۱۸.۰ با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین اعتراضات صنفی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی دار وجود ندارد.

جدول ۶. تحلیل رگرسیون چند متغیره

مدل	ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۴۶۸.۰	۵۸۵.۰	۲۴۰.۰

با توجه به جدول مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی برابر ۴۶۸.۰ است. مقدار ضریب تعیین برابر ۵۸۵.۰ است یعنی ۵۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود.

جدول ۷. نتایج تحلیل آزمون F معنی دار بودن رگرسیون

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۴۰۲.۲۳	۳	۸۰۱.۷	۳۰۵.۲۲	۰.۰۰۰
باقیمانده	۵۵۳.۱۳۵	۳۲۶	۳۵۸.۰		
جمع	۹۵۶.۱۵۸	۳۲۹			

با توجه به جدول فوق، سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰.۰۰۰ بوده و نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۰.۰۹۹ دارد لذا رگرسیون خطی برآورد شده مورد قبول است.

جدول ۸. نتایج رگرسیون بر اساس ضریب بتا

مدل	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد	T

معنی داری	سطح معنی داری	Beta	Std. Error	B	
۰/۰۰۰	۸/۰۵۵		۳۹۲.۳	۳۳.۲۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴/۳۱۳	.۲۷۹	.۶۲	.۲۶۶	مهاجر پذیری
۰/۰۰۰	۲/۵۹۷	.۱۶۴	.۵۸	.۱۵۰	رشد جمعیت
۰/۰۰۰	۲/۶۲۹	.۱۶۷	.۰۵۳	.۱۳۹	اتراضات صنفی

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد مقدار احتمال (Sig.) در کلیه متغیرهای مستقل ۰/۰۰۰ است که این نشان می‌دهد اثر عوامل فوق، بر روی متغیر وابسته که احساس امنیت اجتماعی است معنی دار است. به عبارت دیگر تغییر در متغیرهای مستقل باعث تغییرات معنی دار در متغیر وابسته می‌گردد. بنابراین در اینجا می‌توان قضاوت کرد که متغیر مهاجر پذیری بیشترین سهم را در پیش بینی متغیر وابسته دارد به طوری که یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار قانون پذیری به اندازه ۰.۲۷۹ تغییر کند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق مشخص شد که بین متغیر زمینه ای جنس با احساس امنیت اجتماعی یک رابطه مستقیم و معنی دار و متوسطی وجود دارد به طوری که احساس امنیت اجتماعی مردان از زنان بیشتر است. اما بین وضعیت اقتصادی پاسخگویان و احساس امنیت اجتماعی رابطه معنی داری وجود ندارد و این متغیر تاثیر مشخصی بر احساس امنیت اجتماعی افراد ندارد.

سوال اول تحقیق این است که میزان مهاجر پذیری شهر اراک به دلیل وجود مراکز صنعتی چه تاثیری بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان شهر دارد؟ نتایج تحقیق نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد به عبارتی مهاجر پذیری شهر تاثیر قابل ملاحظه ای بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان اراکی بگذارد.

سوال دوم تحقیق این است که رشد جمعیت شهر اراک به دلیل مراکز صنعتی چه تاثیری بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان اراکی دارد؟ نتایج تحقیق نشان داد

که بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد به عبارتی رشد جمعیت شهر توانسته تاثیر قابل ملاحظه ای بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان اراکی بگذارد. سوال سوم تحقیق این است که اعتراضات صنفی چه تاثیری بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان اراکی دارد؟ نتایج تحقیق نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معنی دار وجود دارد به عبارتی اعتراضات صنفی توانسته تاثیر قابل ملاحظه ای بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان اراکی بگذارد.

نقش نیروی انتظامی در تامین ابعاد مختلف امنیت (امنیت سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در بخش صنعت

یکی از کارکردهای صنعت این است که با بکارگیری افراد و دادن فرصت شغلی به آنان، اعضای جامعه را مورد حمایت مالی و معنوی قرار می دهد. مطمئنا هر چه تعداد کارخانجات صنعتی بیشتر باشد به معنی مشارکت تعداد بیشتر افراد در کار و تولید و نیز بهره مندی اجتماعی و به وجود آمدن امنیت اجتماعی بیشتر است و به نوعی هر چه صنعت پویاتر باشد زمینه جرم و عدم امنیت کمتر است. حال بایستی به این موضوع توجه نمود که از جمله دغدغه های مسئولان نیروی انتظامی کشور رشد امنیت و کاهش تنش و عدم ثبات است که این موهب با داشتن صنعتی امن میتواند ایجاد گردد.

ایجاد امنیت در صنعت نیاز توجه به نکاتی دارد. استان مرکزی دارای بیش از ۱۰۰۰ کارخانه، واحد صنعتی و صنایع مادر از جمله پتروشیمی، پالایشگاه، آلومینیوم سازی، ماشین سازی و غیره می باشد.

باتوجه به معضلات اقتصادی موجود در جامعه، تعدیل نیروی کار، افزایش آمار بیکاری و افزایش تحصنات کارگری و تجمعات مربوطه و از طرفی آلودگی های زیست محیطی مشکلات پیچیده ای را به دنبال دارد؛ که همه این عوامل زمینه ساز بروز و ظهور برخی از جرائم از جمله افزایش اعتیاد به مواد مخدر، سرقت های خرد و نزاع و درگیری می شود.

نیروی انتظامی در خصوص حل مسائل فوق ذکر تا زمانی که زیرساخت های لازم از جمله: فضای سبز مناسب، وجود اماکن رفاهی در شهر و غیره فراهم نشود، نمی

تواند کار ویژه ای انجام دهد و تنها می‌تواند با جلوگیری از تحصنات کارگری، بستر امنیت عمومی را فراهم کند و بایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی آسودگی خاطر بیشتری را برای سرمایه گذاران فراهم نماید.

وضعیت نیروی انتظامی در حوزه امنیت عمومی جهت تامین امنیت بخش صنعت

صنعت محور اصلی توسعه است و از این جهت در برنامه ریزی توسعه و بازسازی کشور ستون اصلی توسعه را تشکیل می‌دهد. از طرفی امنیت صنعت از خود آن مهمتر است چرا که صنعت پویا مستلزم امنیت بالایی است. این امنیت می‌تواند از جنبه های مختلفی مورد توجه قرار گیرد. شناسایی مولفه های موثر در تامین امنیت واحد های صنعتی می‌تواند در برنامه ریزی و سیاستگذاری برنامه های امنیت واحد های صنعتی مورد استفاده قرار گیرد. اهمیت صنعت و پیچیدگیهای خاص محیط داخلی و خارجی (بازار های جهانی، محدودیت های تولیدی و فناوری و) سبب شده تا فرایند تصمیم گیریهای کلان در صنایع اهمیت بیش از پیش یافته و اجرای دقیق مدیریت استراتژیک و اتخاذ استراتژیهای کارا و موثر در بحث امنیت صنعت به امری اجتناب ناپذیر جهت دستیابی به موفقیت سازمان تبدیل شود. توسعه امنیت در حوزه صنعت بستر استقلال و خودکفایی را فراهم می‌کند و صاحبان صنعت می‌بایست با برنامه ریزی درست و دقیق، تعامل و مشارکت حوزه مدیریتی خود را در ایفای سهم امنیت و آرامش عمومی با حرکتی امیدوارانه توسعه بخشند. مهم ترین سهم حوزه تولید و صنعت در پیشگیری از آسیب های اجتماعی را فراهم آوری زمینه اشتغال برای افراد و بخش اساسی دیگر از این سهم مهم و حساس، شکوفایی ابتکار، خلاقیت و دانش و تلاش برای پویایی صنعتی است که ایران را از هر گونه وابستگی بی نیاز می‌کند.

موفقیت نیروی انتظامی در تامین امنیت بخش صنعت

گسترش بی رویه واحدهای صنعتی در کلانشهر اراک و ساوه بدون وجود زیرساخت‌های لازم باعث به وجود آمدن حاشیه نشینی و حضور اقشار مختلف از شهرهای اطراف در استان مرکزی شده، که این موضوع باعث وقوع بیش از پیش

جرم در این شهرها می‌شود. این موضوعات حجم مأموریت‌های ناجا را افزایش داده، که تمامی این مشکلات ناشی از گسترش بدون برنامه ریزی واحدهای صنعتی در این شهرها شده است.

پیشنهادات کاربردی

فرایند رشد صنعتی با همه خدماتی که به بشر عرضه کرده است، با توسعه‌های ناموزون و به شیوه‌های مختلف، که تشدید روند مهاجرت از جمله آنها محسوب می‌شود، در برخی موارد زمینه را برای ایجاد ناامنی‌های بیشتر نیز فراهم آورده است. با چنین رویکرد و با فرض تحقق چنین روندی، در کنار منافع ناشی از رشد صنعتی لازم است تا هزینه‌های پرداختی توسط هر جامعه به دلیل کاهش شاخص احساس امنیت اجتماعی نیز مورد سنجش قرارگیرد زیرا کاهش این شاخص هزینه‌های هنگفتی را نیز بر جامعه تحمیل می‌کند. لذا در این راستا پیشنهادات ذیل مطرح می‌گردد:

- لحاظ کردن و اجباری کردن پیوست فرهنگی-اجتماعی در طرح‌های صنعتی مصوب در استان و نظارت بر حسن اجرای آن
- نظارت جدی بر فرایند به کارگیری نیرو در مراکز صنعتی استان با تاکید بر استفاده از نیروهای کار بومی
- برنامه ریزی جهت بهره‌گیری از نیروهای متخصص در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی به عنوان مشاور طرح‌های صنعتی و مشاور صاحبان صنایع جهت ارائه رهنمودهای لازم به بخش صنایع.
- جلوگیری از استقرار صنایع جدید در مرکز استان چرا که شهراراک توان و کشش پذیرش صنایع جدید را ندارد
- اختصاص بخشی از درآمدهای سالیانه مراکز صنعتی به اجرای طرح‌ها و پروژه‌های فرهنگی-اجتماعی استان به منظور کنترل و تخفیف عوارض اجتماعی ناشی از حضور آنان
- رسیدگی به مطالبات کارگری در ایتان و پرهیز از دادن وعده‌های بدون پشتوانه به قشر کارگر

-ارتباط مستمر و گزارش گیری نهادهای مسئول در امر امنیت اجتماعی با انجمن ها و کانون‌های کارگری و تبادل نظر

-نظارت و گزارش گیری مسئولین مرتبط با امنیت اجتماعی استان از چگونگی اجرای قانون کار در مراکز صنعتی

-تاکید بر هویت واحد شهری و پرهیز از جولان تفکرات قومی قبیله ای در استان

-پرهیز شدید مراکز صنعتی استان از اجرای سیاست تعدیل نیرو در شرایط فعلی

-تقویت زیرساخت‌های انجام و نظم اجتماعی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی و اجتماعی در استان

-تقویت هویت اجتماعی و مقدم داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی و احترام گذاشتن به شخصیت و کرامت انسانی

- نظارت بر تعاملات روزمره و برخورد جدی با افرادی که باعث ایجاد بی اعتمادی در فضای اجتماعی و زندگی روزمره مردم می‌شوند نیز می‌تواند در افزایش اعتماد و در نتیجه احساس امنیت بیشتر دخیل باشد. لذا نهادهای مربوطه نظیر نیروی انتظامی نقش موثری در بالا بردن اعتماد اجتماعی خواهند داشت که این امر با اجرای دقیق، مقتدرانه و مردم‌دارانه وظایف خود به دست می‌آید.

- با توجه به تأثیرات احساس امنیت بر زندگی فردی و اجتماعی و اهمیت ارتقای سطح احساس امنیت در بین دانشجویان، لزوم توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در بین آنان احساس می‌شود و مسئولان امر باید با تشکیل اتاق‌های فکر به دنبال راه‌های گسترش احساس امنیت در بین دانشجویان باشند.

منابع و مأخذ

- تافلر، آلوین (۱۳۷۸) *موج سوم*. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران. نشر علم
- روزه، گی (۱۳۷۶) *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. تهران. نشر نی
- روکس برو، یان (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی توسعه* (نظریه‌های توسعه نیافتگی) ترجمه مصطفی ازکیا، با همکاری محمدسعید ذکائی. تهران. نشر توسعه
- ریتزر، جورج (۱۳۸۳) *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران. انتشارات علمی. چاپ هشتم.

- کرایب، یان (۱۳۷۸) *نظریه‌های اجتماعی مدرن*. ترجمه عباس مخبر. تهران: انتشارات آگاه
- کوزرل. (۱۳۸۳) *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی. چ هشتم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۶) *جامعه شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- Rinku Das , Ashim Kumar Das, (2011) *Industrial Clusters: An Approach For Rural Development In North East India*, International Journal Of Trade, Economics And F.